

ایروین شاو

# دارا و ندار

جلد اول

برگردان:

مهدی افشار



|                      |                                             |
|----------------------|---------------------------------------------|
| سروش‌شناسه:          | شاو، ایروین: Shaw, Irwin                    |
| عنوان و پدیدآور:     | دازا و نذار / ایروین شاو، مترجم: مهدی افشار |
| مشخصات نشر:          | تهران: نشر به‌سخن و انتشارات مجید، ۱۳۹۳.    |
| مشخصات ظاهری:        | ۳ مجلد، ۱۶۷۲ ص.                             |
| شابک:                | دوره: 0-3-94844-600-978                     |
|                      | جلد ۱: 0-9-94844-600-978                    |
|                      | جلد ۲: 0-6-94844-600-978                    |
|                      | جلد ۳: 0-3-94844-600-978                    |
| وضعیت فهرست‌نویسی:   | فیب                                         |
| یادداشت:             | عنوان اصلی: [1970] Rich Man, Poor Man.      |
| موضوع:               | داستان‌های آمریکایی - قرن ۲۰ م.             |
| شناسه افزوده:        | افشار، مهدی. ۱۳۲۶ - مترجم                   |
| رده‌بندی کنکره:      | ۱۳۹۳ د ۲ الف / PS۳۵۲۷                       |
| رده‌بندی دیویی:      | ۸۱۳ / ۵۴                                    |
| شماره کتابشناسی ملی: | ۲۵۳۰۸۳۷                                     |



انتشارات مجید



نشر به‌سخن

تهران، خ. انقلاب، خ. ۱۲ فروردین، خ. طاهری نادر، شماره ۲۴۰  
تلفن: ۶۶۴۹۵۷۱۳ - ۶۶۴۹۱۵۸۸

ایروین شاو

دازا و نذار، جلد اول

برگردان: مهدی افشار

چاپ اول، تهران، ۱۳۹۴ هـ ش.

۷۰۰ نسخه

لیتوگرافی: غزال

چاپ: چاپخانه‌ی جام ضلایی

شابک جلد اول: ۹-۰-۹۴۱۲۶-۶۰۰-۹۷۸

شابک دوره: ۰-۳-۹۴۱۲۶-۶۰۰-۹۷۸

ناشر همکار: انتشارات مجید

[www.majidpub.com](http://www.majidpub.com)

قیمت دوره‌ی سه جلدی: ۱۱۰۰۰۰ تومان

## مقدمه مترجم

کتابی که در دست دارید تشریحی مجرد و سطحی از دنیای اشکال و رنگ‌ها از پشت شیشه مات خیال، یا توضیحی خشک و ریاضی از روابط پیش پا افتاده آشکار حیات نیست. بل تشریحی زنده از دنیای واقعیت نه تو و چنبر چرخ امروز جهان است. و رئالیسم همین است. رئالیسم یا واقعگرایی تلاش روزمره دست یازیدن به ریشه علت‌هاست. رئالیسم میز تشریح است، عبور از کناره جویباران مزرعه و رسیدن به سرچشمه اصلی است، رئالیسم به قول فدریکو گارسیا لورکا: "می‌خواهد نشان دهد راه‌هایی کجاست، این ناخدا را که به مرگ پیوسته است." می‌خواهد نشان دهد چه‌گونه، به قول شاملو: "تبردار واقعه را دست خسته بر فرمان نیست." و بالا این همه می‌خواهد چشم‌انداز درخشان «بحر معلق» را به قول حافظ بازگشاید و نشان دهد که «چنین نماند و چنین نیز هم نخواهد ماند.» ولی چه‌گونه؟

در قرن نوزده، بالزاک و استاندال و صافی مردان دیگری چون اینان قد برافراشتند و پیکر زردنبوی رومانتیسم را - مکتبی که زمانی، چون در هنگامه انقلاب کبیر فرانسه و کمی پیش از آن، خود پرچمدار حرکت پرجوش مردم، و سازنده اجتماع بود - از برج عاج پنداری رقت انگیزش بیرون کشیدند، و در کوچه و بازار گردانند، و «واقعگرایی» را بر سر دست آوردند و به فرمانش

مکتبی پی انداختند که امروزه کرانه‌هایش از ایروین شاو تا گابریل گارسیا مارکز گسترده است؛ وسعتی عظیم و زیبا و ستیهنده.

ولی این‌ها چه می‌گویند و چه می‌کنند؟

این‌ها، به قول لورکا شاعر بزرگ و شهیر اسپانیا: "در جوهر اشیاء نفوذ می‌کنند." این‌ها در مرز «خاک پوک» قدم می‌زنند و همواره نگهبان آتشند و مراقب فرو ریختن پهنه پوک زمینند.

دورکیم، جامعه‌شناس معروف، می‌گوید: "جامعه شناسی علمی است که صور خاص و متفاوت حیات اجتماعی را که متکی به وجدان جمعی است بررسی می‌کند." و این‌ها چنین می‌کنند؛ جامعه شناسی زنده و رنگینی از حضور جاری اشیاء و پدیده‌ها، به‌طور مثال همین کتاب را ببینید. این کتاب جامعه آمریکا را بررسی می‌کند؛ باورها، ارزش‌ها، وجدان اجتماعی و خلاصه، حیات جامعه امروز آمریکا را؛ همه چیز را به همان گونه که هست - البته با جهت‌گیری سازنده در بطن کار و لاجرم که چه باید باشد - می‌نمایاند، و به قول قدمای ما، این قصه را علم می‌کند تا جایی که دیگر از قلم هیچ نیاید، بعد، دیگر این خواننده است و مرداب یا دریا یا برکه‌ای به نام اجتماع فلان جا، که چه کند.

این جا فرصت این نیست که در انواع رئالیسم و زبان، فرم و تکنیک متفاوت آن‌ها سخن بگویم. ولی یک نمونه از واقعگرایی - چنان که گفتیم - همین «دارا و ندار» است.

دارا و ندار مشاهدات ایروین شاو و چه بسا تجربیات خود نویسنده است: یک خانواده که سلولی از پیکر یک جامعه است در نظر گرفته شده؛ بعد در پی یک رشته حوادث، روابط پنهان و آشکار موجود میان افراد خانواده و افراد خانواده با بیرون (کل جامعه)، رسم شده و در نهایت کیفیت وجودی جامعه آمریکا برای ما نمایانده شده است، به بیان دیگر نویسنده این کتاب

همان کاری را می‌کند که به اصطلاح «بازآفرینی واقعیت» خوانده می‌شود: ابروین شاو با آگاهی و توانایی خاصی چون نقاشی زیردست روحيات و نفسانيات قهرمانان داستان را که افراد خانواده «جورداش» هستند در بخش‌های جداگانه که در عين حال قویاً به یک‌دیگر پیوند دارند، به تصویر می‌کشد. «آکسل جورداش» پدر خانواده، مهاجری از خیل مهاجران است که در سال‌های بعد از جنگ اول از آلمان به امید یافتن زندگی بهتر، به آمریکا مهاجرت می‌کند، با کیفی پر از پول که از قتل انگلیسی مست به دست آورده است.

«ماری پی جورداش» مادری است که کودکی و نوجوانی را در یتیم‌خانه می‌گذرانند و دوران جوانی را با اندوه و حسرت طی می‌کند و در جوانی پیری را حس می‌کند و در سال‌های پایانی عمر در جست‌جوی جوانی از دست رفته برمی‌آید؛ اما ناکام.

«رودلف جورداش»، چهره محبوب داستان است، چهره‌ای که پای‌بند اخلاقیات است، پدر را یار است و مادر را غم‌خوار. در دبیرستان کوشا است و در دانشگاه موفق و پا به بیغوله‌ها نمی‌نهد. در محیط کار بیش‌ترین کوشش را می‌کند، وفادار و صمیمی است، زندگانی را از زلال پاک‌ی‌ها می‌بیند و عجیب این‌جاست که در جامعه عصیان‌زده و ضد ارزشی آمریکا، جایی برای رشد می‌یابد؛ اگرچه محدود و لااقل تا مقام شهرداری شهرکی پیش می‌رود. اما ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها همواره در تعارضند و همین ضد ارزش‌هاست که او را از پیش‌تر رفتن باز می‌دارد و به انزوای خانه می‌کشاند. پیروان ضد ارزش‌ها، دانشجویانی هستند که حشیش می‌کشند و ماری جوآنا دود می‌کنند و وقتی شهردار بنابر مسئولیت می‌کوشد تا محیط دانشگاه را که قاعدتاً می‌باید محیطی برای تعالی اندیشه و روان باشد از زباله‌ها پاک کند، جامعه‌ی عصیان‌زده علیه او، برمی‌خیزد و از مقامی که دارد برکنارش می‌کند.

نویسنده با تیزبینی خاصی اگرچه نه چندان مستقیم به خواننده می‌فهماند که دنیای سیاست در آمریکا دنیای فساد است، آنان که پاک هستند و در عرصه بندوبست‌ها و بده و بستان‌های سیاسی و مالی پا نمی‌نهند، اگر هم به قدرتی دست یابند، دولت مستعجلی است که زود ساقط می‌شود.

«گرچن»، دختری که به قول مادرش خون کثیف پدرش در رگ‌هایش جاری است و فحشا را از تبار پدر به ارث برده؛ جز سرخوردگی و تنهایی و درماندگی نصیبی نمی‌یابد و حتا یگانه‌فرزندش او را به حال خود وامی‌رهماند. آخرین و کوچک‌ترین عضو خانواده جورداش، «توماس» است؛ پرخاشجو، عصیانگر، مشت زن حرفه‌ای می‌شود و آن‌گاه فراری از جامعه و بالطبع زمانی که شناختی می‌یابد، متنفر از جامعه‌ای که در آن پرورده شده، از آن می‌گریزد. در رگ‌های توماس نیز به قول ماری پی‌یز، خون جورداش‌ها جاری است. خون آکسل جورداش که می‌تواند با چاقو شکمی را بدرد، کیف پُریولی را برباید، اما توماس به ثبوت می‌رساند که پاک‌تر از پدر است. شاید بدین دلیل که در جنگی سبعانه و بی‌هدف شرکت نداشته تا خونی بریزد و خونریزی را عادت ثانوی سازد.

نویسنده با نگاهی نقاد توماس را تصویر می‌کند. توماس پرخاشجو زمانی که به بلوغ فکری می‌رسد، واکنش‌های آگاهانه دارد تنها پسرش را از محیط پرتلون و فاسد آمریکا بیرون می‌کشد و به پهنه آب‌های آزاد می‌برد و گرچن به‌خاطر فرزندش که در آن محیط پرکشاکش مانده و شب‌ها ماری‌جوآنا دود می‌کند و دخترها را یک یک تجربه می‌کند، تحسّر و تأسف می‌خورد و انگشت حسرت به دندان می‌جود.

اینان خانواده جورداش هستند. اما در کنار آنان شخصیتی به نام «تدی بویلان» ظاهر می‌شود، سرمایه‌داری که همانند بسیاری از هم‌سنخ‌ان خود در اندیشه بهره‌گیری از دیگران است. از گرچن به نوعی بهره می‌گیرد و از

رودلف به شیوه‌ای دیگر.

به جز تدی بویلان که ماده اصلی خباثت است، «کلا دروود پیر» نیز هست که در اندیشه تکاثر است و تورم مالی را غایت آرزوها می‌داند. در این رمان بزرگ این چهره‌ها و ده‌ها چهره دیگر نقش می‌آفرینند که هر یک نماد و نمونه‌ای از مردمی هستند که جامعه آمریکا را تشکیل می‌دهند.



اما جلد سوم این کتاب داستان غریبی دارد. پس از پایان بردن جلد اول و دوم، مترجم احساس می‌کرد این داستان با این همه شکوه و زیبایی نباید به ناگاه بدین‌گونه خاتمه یابد. چه بسا نویسنده نیز خود همین احساس را می‌داشته. چرا که پس از سالی چند تصمیم می‌گیرد ماجرای خانواده جورداش را پی‌گیرد و این بار توجه به نسل سوم جورداش‌ها دارد، یعنی توجه به «وسلی» فرزند توماس که خود یلی است دوست داشتنی و پالایش یافته‌تر از پدر.

شخصیت دیگر این مجلد «بیلی» فرزند گرچن است که رفتارها و نوع زندگی‌اش خود تأمل بسیار برمی‌انگیزد که چه‌گونه عامل وراثت بر اخلاق فرزند نیز اثر می‌گذارد.

مترجم در پی یک تصادف به جلد سوم این اثر برخورد کرد. چرا که نویسنده اصلی نه تنها عنوان *دارا و ندار* را در این مجلد انتخاب نکرده بود که عنوان بی‌ارتباط *دزد و گدا*<sup>۱</sup> را برگزیده بود که در هر حال مترجم ضمن مطالعه این اثر متوجه شد که این کتاب ادامه بی‌انقطاع *دارا و ندار* است.

باز هم در گوشه‌ای از ذهن خود احساس می‌کنم این داستان می‌تواند

ادامه یابد، همان گونه که زندگی ادامه می یابد و امید آن دارم که شاو باز هم ما را در دنیای پرشکوه و رنگارنگ خیال خود سهم سازد و زندگی پر هیجان خانواده جورداش را پی گیرد.

مهدی افشار

www.ketab.ir